

پروفسور کوییرل

تولد: ۲۶ دسامبر

چوبدستی: چوب توسکا و موی تک شاخ، ۲۳ سانتیمتر، انعطاف پذیر

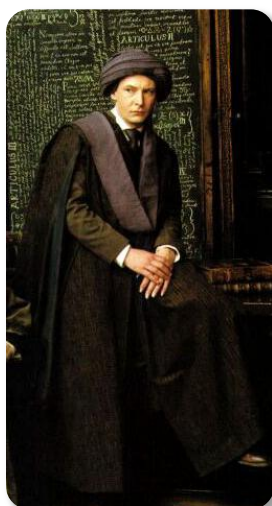
گروه هاگوارتز: ریونکلا

قابلیت های ویژه: عالم در نظریه ی جادوی دفاعی، اما در عمل با مهارت کمتر

ریشه ی خانوادگی: دورگه

خانواده: مجرد، بدون فرزند

علائق و سرگرمی ها: سفر، خشک کردن گل های وحشی



اولین معلم دفاع در برابر جادوی سیاه هری یک جادوگر باهوش جوان است که پیش از تدریس در هاگوارتز به یک «سفر سیاحتی» به دور دنیا رفت. وقتی هری برای اولین بار کوییرل را می بیند، او یک دستار را به صورت روزمره می پوشد. مشکل اعصاب او، که به صورت مشهود در لکنت زبانش نمود پیدا کرده است، چنان مشخص است که شایعه شده بود دستارش پر از سیر است تا خون آشام ها را دور کند.

من کوییرل را پسر با استعداد و حساسی می دانم، که احتمالاً در دوران مدرسه اش به خاطر کمرویی و عصبی بودن مورد آزار و تمسخر قرار می گرفته است. بنابراین حس ناقص بودن و تمایل به اثبات خود، باعث شد او رفته رفته (در ابتدا به صورت نظری) به جادوی سیاه علاقه پیدا کند. کوییرل، مانند بسیاری از انسان ها که احساس می کنند ناچیز و حتی مضحک هستند، میل نهفته ای داشت که کاری کند دنیا قامت راست کرده و به او توجه کند.

کوییرل با این هدف راهی سفر شد که آنچه از جادوگر سیاه مانده را بیابد، هم از روی کنجکاوی، و هم از روی آن میل ناخودآگاه برای جلب توجه. در بدترین حالت، کوییرل پیش خود خیال کرده بود می تواند مردی باشد که ولدمورت را دستگیر کرده است، اما در بهترین حالت، شاید مهارت هایی از ولدمورت فرا می گرفت که مطمئن شود دیگر هرگز کسی به او نخندد.

هر چند وقتی هاگرید گفت کوییرل «نابغه است» درست می گفت، اما این استاد هاگوارتز هم ساده و هم متکبر بود که فکر می کرد توانایی کنترل مواجهه با ولدمورت را، حتی در حالت ضعیفش دارد. وقتی ولدمورت متوجه شد که کوییرل در هاگوارتز سمتی دارد، بی درنگ این مرد جوان را که توانایی مقاومت نداشت، در اختیار گرفت.

با این که کوییرل روحش را از دست نداده بود، ولی کاملاً مطیع ولدمورت شد و بدن او دچار تغییر هولناکی شد: اکنون ولدمورت از پشت سر کوییرل بیرون آمده بود و حرکات او را اداره می کرد، و حتی او را مجبور به ارتکاب قتل می کرد. کوییرل برخی اوقات سعی کرد مقاومت ناچیزی از خود نشان بدهد، اما ولدمورت در برابر او قدرت بسیار بیشتری داشت.

در حقیقت، کوییرل توسط ولدمورت به یک جان‌پیچ موقت تبدیل شده بود. او در تنش فیزیکی مبارزه با روح بسیار قوی‌تر و پلیدِ درونش، به شدت ضعیف شده بود. به علت قدرت حفاظتی‌ای که مادر هری موقع مرگش در پوست او باقی گذاشته بود، بدن کوییرل در مبارزه با هری دچار سوختگی و التهاب می‌شود. وقتی بدنی که ولدمورت و کوییرل در آن مشترک هستند در اثر تماس با هری به شدت سوخته می‌شود، ولدمورت درست به موقع برای نجات خودش فرار می‌کند و کوییرل آسیب‌دیده و ضعیف را رها می‌کند تا تلاشی شده و بمیرد.

ارائه‌ای از وب سایت دمنتور

www.dementor.ir

حسین غریبی